

پرسمان دینی:

از جهت علمی دعا چه نقشی در وجود ما دارد؟

نقش دعا را می توان در ۳ جهت مرتبط به یکدیگر بررسی کرد :

۱- دعا موجب اتصال وارتباط انسان به قدرت نامتناهی وعظیم عالم می شود!

هیچ موضوعی بدیهی تر و عقلانی تر از این نیست که انسان ، محتاج ، نیازمند وضعیف است و دعا کردن یعنی خود را به قدرت اصلی این عالم، وصل کردن واز او استمداد جستن! کدام خردمندی است که اتصال پیدا کردن بنده فقیر، نیازمند وضعیف، به خدای غنی وبی نیازوتوانمند را، ستایش نکند وقبیح بشمارد؟!

۲- دعا موجب قدرتمندی در برابر مشکلات وسختیها می شود!

براستی، اگر عقل بشری این واقعیت را درک میکرد، جز با خدای خود با هیچ موجود دیگری در ارتباط نبود. این استدلال عقلی برای اثبات این مطلب کافی است که انسان ملزم به توجه تام به مبدأ متعالی عالم است؛ چنانکه آیه ما یعبوا بکم ربی لولا دعاؤکم(فرقان ۷۷) اگر دعای شما نبود، پروردگارتان اعتنایی به شما نداشت. اشاره به همین ناچاری عقلی دارد. فرزانی انسان، اجازه نمیدهد که انسان با انبوه نیازها و لحظات ناملایم زندگی به تنهایی به مبارزه برخیزد و از کنار قدرت عظیم دعا بی تفاوت بگذرد، چه ، دعا نزدیک ترین وسیله، مطمئن ترین راه، امدادگری خالی از شائبه، پشتوانه ای به دور از انزجارهای فطرت و طبیعت و الهام بخشی منطبق با همه الوهیت وجودی انسان است.واین خصوصیات موجب قدرت افزایی به شخص دعا کننده می شود!

۳- دعا موجب امید واری به زندگی ونشاط روحی می شود!

اگر فردی خود را به مبدا عالم سپرد و از او کمک خواست و به درگاه او ضجه و ناله زد؛ به منبع اصلی و جایگاه حقیقی این عالم، متوسل شده است و انتظار رفع مشکلات و سختیهای زندگی، نابجا نیست! و اگر مصلحت باشد و شرایط دیگرش فراهم باشد، دعایش مستجاب خواهد شد! آری، انسان با دعا نیروی بازوان ناتوان خود را به مبدا نامتناهی عالم پیوند میزند. از این رو، در برابر هرگونه مشکلی ایستاده و با این قدرت روحی تازه، توانایی خود را برتر از همه نیازمندیها میبیند، زیرا نیروی نامتناهی حضرت حق را به یاری طلبیده و در رسیدن به اهداف خود به دلیل موقعیت تضمین شده ای که دارد مصمم است.

اگر قرار بود با دعا کردن مشکلات حل شود پس نقش خود ما در زندگی چیست؟ آیا بهتر نیست انسان به جای دعا کردن با پشتکار کاری که فکر می کند درست است کار را انجام دهد؟

پاسخ اجمالی

دین اسلام، دین جمع بین ظاهر و باطن است، جمع بین اموری مادی و معنوی. همان حال که خالق باد و ابر خداوند است و ریزش باران با توجه به قوانینی است که او در طبیعت قرار داده است، ولی در عین حال علت ریزش باران را ایمان و تقوای مردم بیان می کند. [۱]

خداوند متعال، تمام امور این جهان را براساس نظم و حکمت خاصی تدبیر کرده و برای هر پدیده و واقعه-ای، علت-ها و اسبابی قرارداده است که رسیدن به هر هدف، جز از طریق علل و اسباب آن ممکن نیست.

اول باید حرکت- کرد و از خداوند خواست که این حرکت، در مسیر صحیح باشد و به حقیقت و مطلوب واقعی برسد. دعا و استعانت از خداوند در همه کارها به این معنا است. دعا وقتی مستجاب می-شود که برای

رسیدن به هدف از راه فراهم آوردن اسباب و علل آن، تلاش کنیم و از خداوند متعال در جهت کمک و یاری هر چه بیشتر و به نتیجه رسیدن تلاش‌ها و کوشش‌ها مدد بگیریم.

انسانی که برای موضوعی دعا می‌کند تمام تصمیم و اراده خود را در جهت تحقق آن به کار می‌اندازد اما از جایی که تحقق امور، فقط مربوط به اراده و تصمیم ما نمی‌شود، و مسائل فراوان دیگری در این باره باید دست به دست هم بدهند، از خداوند که مسبب الاسباب است می‌خواهیم که دیگر امور را که در اختیار ما نیست؛ در راه تحقق این خواسته، برای ما فراهم کند. اتفاقاً در روایات ما بین عمل و اراده انسان با دعا کردن به خوبی جمع شده است. از طرفی به ما دستور داده شده است که برای تحقق خواسته‌هایمان دعا کنیم و از طرفی باید برای تحقق آن تلاش کنیم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: "خداوند کاری را بدون استفاده از اسباب انجام نمی‌دهد." [۲] در برخی دیگر از روایات کسانی را معرفی کرده است که دعایشان مستجاب نمی‌شود، از جمله، افرادی که به تلاش و عزم خود توجه نمی‌کنند و همه چیز را از خداوند می‌خواهند. شخصی که در راه کسب و کار، تلاشی نمی‌کند و از خداوند رزق و روزی می‌خواهد دعایش مستجاب نمی‌شود. [۳]

بنابراین؛ دعا کردن نقش بسیار مهمی در حل مشکلات ما دارد ولی این هرگز به معنای نفی تلاش و اراده انسان در راه تحقق خواسته‌هایش نمی‌باشد.

پی‌نوشت:

[۱] اعراف، ۹۶

[۲] کافی، ج ۱، ص ۱۸۳. با استفاده از سؤال ۲۹۰۰ (سایت: ۳۱۰۹). البته این امتناع غالبی است یعنی در اغلب موارد چنین است ولی برای این که انسان‌ها برای تحقق خواسته‌هایشان فقط به امور مادی دل نبندند و نقش خداوند را به مرور زمان نادیده نگیرند، خداوند اموری را بدون گذراندن سیر طبیعی آن مانند خلقت حضرت عیسی (بدون پدر)، انجام می‌دهد.

در چه شرایطی دعا حتماً مستجاب می شود؟

پاسخ اجمالی

واژه‌ی "دعا" به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد است، و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است. دعا در اصطلاح، "خواستن حاجت از خدای متعال" است. واژه دعا و مشتقات آن در قرآن کریم تقریباً در ۱۳ معنا به کار رفته است.

چون دعا نیز نوعی عبادت است؛ لذا مانند دیگر عبادت‌ها دارای شرایط مثبت و منفی است که با رعایت آنها، عامل تقرب بوده و مستجاب خواهد شد. معنای "استجاب دعا" این نیست که دعا فوراً مستجاب شده و آثار آن سریعاً ظاهر گردد؛ لذا گاهی اثر اجابت بعد از چهل سال ظاهر می‌شود، و یا این‌که خداوند عوض آن دعا را در آخرت به چند برابر عطا می‌کند، به طوری که دعاکننده با مشاهده‌ی آن آرزو می‌کند، ای کاش هیچ دعا و حاجتی از من در دنیا مستجاب نمی‌شد.

دانشمندان اسلامی با استفاده از آیات قرآنی و روایات معصومین (ع) برای دعا آداب و شروطی را ذکر کرده‌اند که اگر رعایت شود دعا حتماً مستجاب خواهد شد. برخی برای استجاب دعا، ده شرط ذکر کرده‌اند، برخی هفده شرط و... .

با توجه به تعابیری که در روایات مختلف به کار رفته، می‌توان شرایطی را که به طور حتم در اجابت دعا نقش دارند، نام برد؛ مانند این‌که دعا نباید بر خلاف نظام احسن عالم و قضای قطعی الهی باشد و گرنه رد شده و مستجاب نمی‌شود؛ دعا باید مسبوق و مختوم به صلوات بر پیامبر (ص) و آل او باشد؛ دعا کننده باید معرفت و شناخت کامل قلبی نسبت به خدا داشته باشد؛ تنها امیدش به خدا باشد و بر غیر او تکیه نداشته باشد؛ حالت اخلاص و اضطرار در او باشد؛ زبان و قلبش با هم هماهنگ باشند؛ اتیان واجبات و ترک محرمات

نموده و طلب استغفار از گناهان خود کند؛ اصرار بر دعا کند و با یقین از خدا بخواهد و مأیوس نباشد؛ و بگوید خدایا آن گونه که تو صلاح می‌دانی و به مصلحت من است انجام بده و یقین بداند که خداوند مستجاب خواهد کرد، اگرچه آثار آن بعداً ظاهر شود.

پاسخ تفصیلی

قبل از توضیح سؤال، به طور گذرا به معنای دعا و ضرورت آن از نظر قرآن، اشاره می‌شود. مسئله‌ی ضرورت و انجام دعا نه تنها در دین اسلام امری قطعی و مسلم است، بلکه در ادیان انبیای گذشته و نزد پیامبران سلف نیز مسئله‌ی دعا یک امر حتمی بود و پیشوایان الهی این مطلب را به مردم گفته و آموخته‌اند، افزون بر این، خودشان در موارد متعددی دعا کرده‌اند، که از جمله‌ی آن موارد، دعای حضرت ابراهیم(ع) و استجاب آن است که در سوره‌ی ابراهیم(ع)، آیه‌ی ۳۷ ذکر گردیده است. [۱] هم‌چنین دعای حضرت موسی(ع) [۲] و پیامبران دیگر بیان شده است. خداوند در آیات متعددی بندگان را به دعا دعوت نموده است، از جمله در آیات "بقره، ۱۸۶" و آیه‌ی "غافر، ۶۰".

معنای لغوی و اصطلاحی "دعا"

"دعا" در لغت به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد است، و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است. [۳]

دعا در اصطلاح، خواستن حاجت از خدای متعال است. واژه‌ی دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن مجید تقریباً در ۱۳ معنا به کار رفته است که از جمله‌ی آنها، خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، استغاثه و یاری خواستن؛ عبادت کردن و... می‌باشد. [۴]

از برخی آیات و نیز روایات اسلامی استفاده می‌شود که دعا نوعی عبادت و پرستش خدا است. افزون بر این، در برخی تعابیر روایی آمده است که "الدّعا مخّ العبادة" [۵] از این‌رو دعا نیز مانند دیگر عبادات دارای

شرایط مثبت و منفی است. به سخن دیگر، برای آن که دعا به طور صحیح و کامل انجام شود و مورد تقرب و استجاب قرار گیرد، باید دعا کننده شرایطی و آدابی را تحصیل کند و از موانعی دوری و اجتناب نماید. با توجه به این مسئله است که علت عدم استجابت برخی دعاها روشن می‌شود؛ چرا که خداوند، حکیم و علیم است و تمام کارهای او از روی حکمت و مصلحت بوده و قبولی دعا نیز وابسته‌ی به مصلحت است و وعده‌ی قبول نیز مشروط به مصلحت خواهد بود. اگر شخص کریمی اعلام نماید که هر کس از من چیزی بخواهد عطا خواهم کرد و شخصی بیاید و چیزی که برای او ضرر دارد، بلکه هلاکت او را در پی دارد طلب نماید به خیال این که برای او نافع است، در چنین وضعیتی، عطا نکردن مناسب‌تر است برای آن شخص کریم، بلکه عطا کردن، جور و ظلم است. و اکثر خواهش‌های بندگان موجب نقص و ضرر ایشان است، در حالی که خودشان نمی‌دانند. [۶]

رفت طغیان آب از چشمش گشاد

آب چشمش زرع دین را آب داد

ای بسا مخلص که نالد در دعا

تا رود دود خلوصش بر سما

تا رود بالای این سقف برین

بوی مجمر از انین المذنبین

پس ملایک با خدا نالند زار

کای مجیب هر دعا وی مستجار

بنده مؤمن تضرع می‌کند

او نمی‌داند بجز تو مستند

تو عطا بیگانگان را می‌دهی

از تو دارد آرزو هر منتهی

حق بفرماید که نز خواری اوست

عین تأخیر عطا یاری اوست [۷]

در حدیث قدسی آمده است: برخی از بندگانم، اصلاح نمی‌شوند و ایمانشان را حفظ نمی‌کند، مگر غنا و ثروت به گونه‌ای که اگر وضع دیگری برای آنها رخ دهد، نابودی آنها را به دنبال دارد و برخی دیگر، فقر و تنگ‌دستی به صلاح آنها است و اگر غیر از آن برایشان مقدر شود، عامل هلاکت برای آنها خواهد بود. [۸] در این جا ممکن است شبهه‌ای به ذهن خطور کند که: خداوند مصلحت ما را بهتر می‌داند و آنچه بخواید مقدر می‌کند و قطعاً واقع خواهد شد و دیگر نیازی نیست که من دعا کنم و از خدا بخواهم؟ در جواب به این مقدار اکتفا می‌شود که: تحقق برخی مقدرات الهی با دعای بنده و مشروط به دعا کردن است، بدین معنا که اگر بنده دعا کند و بخواید، مصلحت الهی به عطا کردن تعلق می‌گیرد و اگر دعا نکند مصلحتی در کار نیست و برای او مقدر نمی‌شود. [۹]

از این‌رو، خداوند دعاهایی را که بر خلاف نظام احسن عالم و قضای قطعی او باشد رد می‌کند و مستجاب نمی‌گرداند. مثلاً کسی از خدا بخواید که همیشه زنده بماند و هرگز نمیرد؛ زیرا این دعا با قضای الهی که در سوره آل عمران، آیه ۱۸۵ آمده منافات دارد: «کل نفس ذائقة الموت». و یا این که از خدا بخواید که او را هرگز محتاج هیچ کدام از مخلوقین نکند، هرگز مستجاب نمی‌شود. در روایت آمده است، علی (ع) شنید که مردی برای دوستش دعا می‌کند و می‌گوید: خداوند برایت ناملایم و مکروهی را پیش نیاورد و روا مدارد، علی (ع) فرمود: تو مرگ دوستت را از خداوند خواستی؛ [۱۰] یعنی در واقع تا انسان زنده است، طبق نظام طبیعت و عالم آفرینش در معرض ناملایمات و بلایا است، مگر این که در دنیا نباشد.

در زمینه‌ی عدم استجاب دعا، علامه مجلسی در توجیه و تفسیر روایتی، وجوهی را به عنوان جواب ذکر نموده است:

وجه اول: وعده الهی به استجاب دعا، مشروط است به مشیت و خواسته‌ی الهی؛ یعنی اگر بخواهد و مشیت او تعلق گیرد، مستجاب می‌کند به دلیل قول خداوند: "... فیکشف ما تدعون الیه إن شاء..." [۱۱]؛ و اگر بخواهد رنج و بلا را از شما دور می‌گرداند،

وجه دوم: مقصود از اجابت در روایت، لازمه‌ی آن است و آن شنیدن و مورد عنایت قرار دادن دعا است؛ زیرا خداوند دعای مؤمن را الآن اجابت می‌کند و لیکن بخشیدن مطلوب او را به تأخیر می‌اندازد تا به دعایش ادامه دهد و خداوند صدای محبوبش را بشنود:

آن یکی الله می‌گفتی شبی

تا که شیرین می‌شد از ذکرش لبی

گفت شیطان آخر ای بسیار گو

این همه الله را لبیک گو

گفت لبیکم نمی‌آید جواب

ز آن همی ترسم که باشم ردّ باب

گفت آن الله تو لبیک ماست

و آن نیاز و درد و سوزت پیک ماست

حیله‌ها و چاره جویبهای تو

جذب ما بود و گشاد این پای تو

ترس و عشق تو کمند لطف ماست

زیر هر یا رب تو لبیکهاست [۱۲]

وجه سوم: خداوند اجابت را مشروط نموده است به موردی که به صلاح بنده بوده و خیر دعاکننده در آن باشد؛ زیرا خداوند حکیم است و هرگز آنچه را که باعث مصلحت و سعادت بندگان باشد، برای خواسته‌های غیر مفید، ترک نمی‌کند. پس روشن شد که باید چنین وعده‌هایی را از جانب شخص حکیم، مشروط و منوط به مصلحت بدانیم. [۱۳]

در کتاب اصول کافی چهار معنا برای اجابت بیان شده است که عبارت‌اند از:

خداوند مطلوب دعاکننده را فوراً عطا می‌کند.

خداوند درخواست او را اجابت می‌کند و می‌پذیرد، ولی برای این که دوست دارد صدای او را بشنود، مطلوب او را تا مدتی تأخیر می‌اندازد.

دعای او را می‌پذیرد و مستجاب می‌کند ولی اثرش، پاک کردن و کفاره‌ی گناهان او قرار می‌گیرد.

دعایش را می‌پذیرد و آن را، ذخیره و توشه آخرت قرار می‌دهد. [۱۴]

از مطالب فوق استفاده می‌شود که معنای اجابت دعا این نیست که دعا فوراً مستجاب شود و آثار آن سریعاً ظاهر گردد و دعاکننده به مطلوب خود برسد؛ چرا که در آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی "یونس" یادآور می‌شود که خداوند دعای موسی (ع) را مستجاب نمود، و به جهت مصالحی اثر آن را که نابودی فرعون بود بعد از چهل سال ظاهر و آشکار گردانید.

و گاهی اثر اجابت دعا این‌گونه ظاهر می‌شود که خداوند چند برابر خواسته‌ی دعاکننده را در آخرت به او می‌دهد - به کسی که صلاح خود را نمی‌دانسته - به طوری که وقتی در آخرت عوض مطلوب و خواسته‌ی

خود را مشاهده می‌کند، آرزو می‌کند که ای کاش هیچ حاجتی از من در دنیا مستجاب نمی‌شد. (تصدیق می‌کند که دعایش به طور کامل مستجاب شده است). [۱۵]

تاکنون به معنای دعا و اهمیت و شرایط آن اشاره شد و گفته شد که چرا برخی از دعاها مستجاب نمی‌شود و این که مقصود از اجابت دعا چیست، هم اکنون جای پاسخ به سؤال مذکور است که در چه شرایطی دعا مستجاب می‌گردد؟

دانشمندان و مفسران اسلامی با استفاده از آیات الهی و روایات معصومین (ع) شرایط و آدابی را برای دعا و دعا کننده بر شمرده‌اند که با رعایت آنها، دعا مؤثر واقع شده و مستجاب خواهد گردید. در کتاب دعاها و تهلیلات قرآن به هفده شرط و آداب دعا اشاره شده است؛ مانند: معرفت و شناسایی خداوند، هماهنگی بین قلب و زبان دعا کننده، انجام واجبات و ترک محرّمات، استغفار از گناهان و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و... [۱۶] هم‌چنین فیض کاشانی در محجة البیضاء ده شرط را نام برده است؛ و ده شرط دیگر را از کتاب عدّة الداعی نقل کرده است که برخی از آن شرایط عبارت‌اند از: تصمیم در دعا، اجتماع در دعا، اقبال با قلب به سوی خدا، عدم اعتماد بر غیر خدا در حوایج خود و... [۱۷]

در مورد روایات مربوط به استجابت قطعی دعا تعابیری به کار رفته است که ذکر آن خالی از فائده نیست. امام صادق (ع) می‌فرماید: "همیشه دعاها در پشت پرده است؛ یعنی نمی‌تواند آزادانه به پیش‌گاه الهی راه پیدا کند تا وقتی که مشتمل بر درود بر پیامبر باشد. [۱۸]

از امام صادق (ع) در روایت دیگری نقل شده است: هر گاه کسی از شما خواست دعا کند، ابتدا بر پیامبر درود بفرستد؛ زیرا درود بر پیامبر مقبول الهی واقع می‌شود و خداوند این طور نیست که بعضی از دعا را بپذیرد و بخش دیگر آن را رد کند. [۱۹] و در روایت دیگر فرموده است: "علاوه بر آن که در آغاز، صلوات بفرستد، در پایان دعا بر محمد و آل محمد (ص) درود بفرستد." [۲۰]

امام مجتبی (ع) می‌فرماید: اگر کسی مواظب قلبش باشد تا وسوسه‌ها و خاطراتی که مورد رضای خدا نیست در آن خطوط نزنند، من ضامنم که او مستجاب الدعوة باشد. [۲۱]

امام صادق(ع) فرمود: "قطع امید از غیر خدا کنید تا دلتان به هیچ قدرتی جز خدا تکیه نکند، آن‌گاه دعا کنید، یقیناً آن مستجاب است." [۲۲]

نیز روایت شده است: مظلومی که هیچ پناه‌گاهی جز خدا ندارد، دعای او یقیناً مستجاب است. [۲۳]

بنابراین اگر دعا به زبان استعداد شد، دست رد به سینه‌ی سائل نمی‌خورد و دعایش پذیرفته خواهد شد؛ زیرا فاعل و کسی که خواسته را، برآورده می‌کند، تمام و فوق تمام است و فیض آن حضرت، کامل و فوق کمال است و اگر فیض، ظهور ندارد و افاضه نمی‌شود، از ناحیه‌ی نقصان استعداد است؛ پس اگر پذیرنده، استعداد پذیرش فیض را داشته باشد، فیض الهی از خزینه‌هایی که پایان ندارد و کمبودی در آنها ایجاد نمی‌شود و از معادن فیضی که غیر متناهی است و نقصان‌پذیر نیست، بر او افاضه خواهد شد؛ [۲۴] از این‌رو گفته شد که امور به سه قسم است: اول؛ آن است که بدون دعا مصلحت در عطای آن خواهد بود، در این صورت چه دعا کنند و چه نکنند، خداوند کرامت خواهد نمود. دوم؛ آن است که با دعا نیز مصلحت نمی‌باشد. در این صورت دعا هم بکنند، عطا نخواهد کرد. سوم؛ با دعا کردن مصلحت در عطای آن است و بی‌دعا، مصلحت نیست، در این صورت عطای آن مشروط به دعا است و چون انسان از تشخیص صلاح و فساد همه‌ی امور عاجز است باید از دعا کوتاهی نکند، و اگر مستجاب نشد مأیوس نگردد و بداند که صلاح نبوده است. گذشته از اینها، چنان‌که قبلاً اشاره شد، دعا، عبادت است بلکه از بهترین عبادت‌ها است که موجب تقرب به حضرت حق است که خود(تقرب) از بهترین فواید هر عبادت محسوب می‌گردد. [۲۵] وقتی انسان دست به دعا برداشت، طبق روایات و سنت معصومین(ع) مستحب است آن‌را بر سر و صورت خود بکشد؛ برای این‌که لطف خدا به این دست پاسخ داده است، دستی که به سوی خدا دراز شود یقیناً خالی بر نمی‌گردد و دستی که عطای الهی را دریافت کرد، گرمی است؛ لذا خوب است آن‌را به صورت یا به سر بکشید. [۲۶]

ای یکدله‌ی صد دله، دل یکدله کن

مهر دگران را ز دل خود یله کن

یک روز به اخلاص بیا بر در ما

گر کام تو بر نیامد آنکه گله کن [۲۷]، [۲۸]

پی نوشت:

- [۱]. فلسفی، محمد تقی، شرح دعای مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲.
- [۲]. طه، ۲۵ - ۲۸.
- [۳]. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، واژه‌ی «دعا».
- [۴]. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۱۰۵۴.
- [۵]. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات (سلوة الحزین)، ص ۱۸، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- [۶]. شهیدی، سید محمد باقر، شهرستانی، هبة الدین، دعاها و تهلیلات قرآن، ص ۴۳.
- [۷]. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات ۴۲۲۲ - ۴۲۱۶.
- [۸]. سبزواری، ملا هادی، شرح اسماء الحسنی، ص ۳۲، قم، مکتبه بصیرتی.
- [۹]. برگرفته از، دعاها و تهلیلات قرآن، ص ۴۳.
- [۱۰]. شرح دعای مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۷.
- [۱۱]. انعام، ۴۱.
- [۱۲]. مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۱۹۰ - ۱۸۹ و ۱۹۷ - ۱۹۴.
- [۱۳]. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق، مصحح، رسولی، سید هاشم، ج ۱۲، ص ۱۹ - ۲۰، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

[۱۴]. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۴۹۰ -

۴۹۱، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

[۱۵]. همان.

[۱۶]. دعا و تهلیلات قرآن، ص ۱۵.

[۱۷]. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۰۱ - ۳۸۰.

[۱۸]. کافی، ج ۲، ص ۴۹۱.

[۱۹]. کافی، ج ۲، ص ۴۹۴.

[۲۰]. همان.

[۲۱]. کافی، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۱.

[۲۲]. شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۳۶، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

[۲۳]. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات (سلوة الحزین)، ص ۳۰، قم، مدرسه امام مهدی (عج)،

قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

[۲۴]. امام خمینی، شرح دعای سحر، ترجمه، فهری، سید احمد، ص ۳۸.

[۲۵]. دعاها و تهلیلات قرآن، ص ۴۵.

[۲۶]. حکمت عبادات، ص ۲۱۵.

[۲۷]. روان جاوید، ج ۱، ص ۲۹۶.

[۲۸]. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: «نحوه و چگونگی تشخیص مصلحت در دعا»، ۷۲۱.

چرا دعاهای مستجاب نمی شود؟ راههای استجاب دعا چیست؟

چرا گاهی اوقات هر چه خدا رو صدا می زنیم حس می کنیم صدای ما را نمی شنود مثلاً گروهی می گویند ما فلان دعا را خواندیم و حاجت گرفتیم ولی هر کدام را امتحان کردم جواب نداد. حتی دعاهایی در مورد مسایل غیر دنیایی، حتی در رابطه با خود خدا اما دریغ از یک اشاره و یک جواب. من بدم ولی خدای من که از این حرفها بزرگتره. اینارو می دونم ولی علت جواب نگرفتنم را نمیدونم؟ حس می کنم اصلاً صدایم بهش نمیرسه کمکم کنید تا شاید روحیه بگیرم گاهی اوقات از خودم متنفر می شوم.

پاسخ اجمالی

نکته اصلی پاسخ شما با دقت در این آیه قرآن روشن می شود: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را...» [۱] در آیه علاوه بر این که دعا از جنبه مقدمی و برای رسیدن به مقصود و حاجت، مورد توجه قرار گرفته است (ادعونی استجب لکم)، از جنبه ذی المقدمی نیز لحاظ شده است (ان الذین یستکبرون عن عبادتی ...). یعنی؛ دعا هم طلب است و هم مطلوب (چه مستجاب شود و چه نشود، مطلوب است)، هم وسیله است و هم غایت، هم مقدمه است و هم نتیجه و هدف. و سرّ اصرار و تاکید روایات هم در همین نکته نهفته است [۲] بعبارت دیگر؛ فلسفه و هدف اولی دعا کردن، خود دعا کردن و زنده نگه داشتن حالت دعا است و اگر کسی توفیق دعا کردن پیدا کرد باید مطمئن باشد که مورد عنایت خدا قرار گرفته و در حقیقت خواسته اصلی او که مناجات، سخن گفتن و ارتباط با خدا بوده به دست آمده است اما دریافت خواسته مورد نظر، هدف در مرتبه دوم است که برای به اجابت رسیدن آن باید شرایطی را در نظر داشت و رعایت کرد؛ از جمله اینکه:

۱. انسان از خدا چیزی را بخواهد که، حرام نباشد، یا به ضرر دیگران نباشد و یا ...

۲. هم چنین دعایی که در روایات و آیات، سفارش فراوان به آن شده، دعا و درخواست در باره حاجات و حوایج معنوی است. مانند درخواست توفیق برای اطاعت اوامر الهی و ترک محرمات، و دعا برای جامعه اسلامی و مؤمنان و ...

۳. اگر چه آموزه های دینی به ما می گوید در امور کوچک و بزرگ دعا کنیم و در دعا اصرار و پی گیری داشته باشیم، ولی برای تشخیص صلاح و مصلحت در دعا باید، به این نکته توجه کرد که دعا نیز امری قانون مند است، لذا نباید با قوانین تشریحی و تکوینی پروردگار در تعارض باشد.

۴. در حصول نتیجه هم نباید شتاب کرد، و باید استجابت را از جهت زمان به خدا واگذار نمود، تا آنچه مصلحت است عمل نماید. [۳]

۵. از طرفی نیز اموری نظیر «ذکر صلوات در ابتدا و انتهای هر دعا، مراقبت از قلب در برابر وسوسه های شیطان، قطع امید از غیر خدا و تنها تکیه نمودن بر او» به استجابت دعا کمک می کنند.

انسانی که در همه امور ذاتاً فقیر و محتاج به وجود بی نیاز خدا است بدون تردید، دعا کردن در همه شرایط، در صورت اجابت و یا عدم اجابت آن به نفع انسان است؛ زیرا اگر دعا به زبان استعداد باشد، دست رد به سینه سائل نمی خورد و دعایش پذیرفته خواهد شد. از آن جهت که فیض خداوند کامل و فوق کمال است و اگر پذیرنده، استعداد پذیرش فیض را داشته باشد، فیض الهی از خزینه هایی که پایان ندارد و کمبودی در آنها ایجاد نمی شود، بر او افزای خواهد شد.

چگونه می توان از درگاه چنین خدایی ناامید و مأیوس شد؟ خداوندی که نگاه لطف و رحمتش عالم گیر است، دعا و مناجات و توبه و بازگشت، را عمومیت بخشیده و همه انسان ها را به درگاه خویش فراخوانده است. چنانچه می فرماید: «ای بندگان من که بر خود ستم و اسراف کرده اید از رحمت خدا نا امید نشوید». [۴]

بعلاوه، صفت یأس و ناامیدی از رحمت خدا، از جمله بزرگترین گناه و کفران الهی محسوب شده و موجبات محرومیت و هلاکت ابدی انسان را فراهم می سازد. و باز می فرماید: «کیست که ناامید از رحمت خدا شود، مگر گمراهان و اهل ضلالت». [۵] بلکه از بعضی آیات معلوم می شود که: «مأیوس نمی شوند از رحمت خدا مگر کفار». [۶] پس هیچگاه نباید از توسل و دعا به درگاه الهی ناامید و مأیوس شد. [۷]

پی نوشت:

[۱] مؤمن، ۶۰؛ "وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ" پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند!».

[۲] برای آگاهی بیشتر، نک: مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۲۲۶-۲۳۷. اقتباس از سؤال ۷۲۱ (سایت: ۷۴۶)، نمایه: نحوه و چگونگی تشخیص مصلحت در دعا.

[۳] اقتباس از نمایه: نحوه و چگونگی تشخیص مصلحت در دعا، سؤال ۷۲۱ (سایت: ۷۴۶).

[۴] «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ»، زمر: ۵۳.

[۵] «وَمَنْ يَقْنَطْ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ»، حجر: ۵۶.

[۶] «لَا يَيْئَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»، يوسف: ۸۷.

[۷] برای مطالعه و آگاهی بیشتر رجوع کنید به: نمایه: استجابت دعای گناه کاران، سؤال ۱۳۷۹ (سایت: ۱۴۱۲).